

جناب ابن ابهر عليه بهاء الله

بسمی المنادی بین الأرض و السماء

تبارک الذی انزل الآيات و جعلها آيةً من عنده و حجةً من لدنه و برهاناً من جانبه انه هو المقتدر على ما يشاء يعطى و يمنع و هو الفرد الواحد العزيز المختار تبارک الذی اظهر ما كان مكنوناً فى العلم و بعث من نطق بالحق امام وجوه العباد هو الذی انطق عبده فى السجن بذكره و ثنائه بحيث ما خوفه ظلم ظالم و لا نعاق كل ناعق انكر حق الله فى المبدأ و المآب

يا ابن ابهر قد حضر لدى المظلوم ما ارسلته الى من قام على خدمة امر الله رب الأرباب طوبى لنفس حملت البلايا فى سبيل الله مالک يوم التناد طوبى للسانک بما نطق بالحق و لوجهک بما توجه الى الله منزل الآيات هذا يوم فيه ظهر كل مستور و برز كل مكنون و نطق كل صامت رغباً للذین کفروا بالله و انکروا حجته التى احاطت من فى الأرضين و السموات

يا ايها الناطق باسمى و القائم على خدمة امرى اسمع ندائى من شطر سجنى انه يقربک و يهدیک الى التبا الأعظم الذی به انصعق الوجود و اندکت الجبال و انفطرت سماء الأديان اشکر الله بما وفقک فى السجن على ذکره و ثنائه و اظهر ما كان مستوراً عن الأبصار يا ابن ابهر صد هزار حمد مقصود عالم را که باسم اعظم ابواب افنده امم را گشود باسمش خوف را باطمینان و بعد را بقرب و ظلمت را بنور تبدیل فرمود اوست امرى که ضوضای معتدین منعش ننماید و شبهات مریین او را از مشیتش بازندارد لعمر الله این عبد و اولیایش خود را در بحر سرور مشاهده مینمایند چه که در ضوضای این ایام از هر حزبی حزنی بر حضرت سلطان وارد جز این حزب که پاس حرمت و ادب را از دست ندادند فى الحقیقه از برای ادب نزد رب مقامیست عظیم طوبی از برای نفسی که بآن فائز گشت و محروم نماند این مظلوم در لیالی و ایام متحیر و متفکر آیا چه شده که علمای انام و فقهای ایام و حکمای عصر عمل نمودند آنچه را که سبب حزن موحدین و منقطعین گشت یا ابن ابهر مقام ظهور شکر و بروز حمد این ایامست که این حزب بعد از فضل الهی و عنایت ربانی و رحمت مسبوقة رحمانی ترک ادبی از ایشان ظاهر نه مع آنکه مدعیها در شب و روز بدسیسه و خدعه مشغول قل لک الحمد یا الهی بما حفظت حزبک بقدرتک و سلطانک مع اعدا و ظهور اشقیا از ایشان بر وجود مبارک سلطان چیزی وارد نه اگر در این ایام این فقره انکار شود بعد البتة آثارش و ظهوراتش عالم را احاطه نماید و کل اقرار نمایند بظهور فضل و رحمت الهی انه لا یضیع اجور العاملين آن جناب و سایر اولیا مجدّد عباد را بصبر و اصطبار دعوت نمایند و از اعمال بعضی مکدر نشوند بافق امر ناظر باشند نه باقوال و اعمال عباد بر حضرت سلطان و امیر الأمراء اصل امر و حسن نیت این حزب مستور نه اگر نظر بحکمت از حضرت امر امری ظاهر شود باید بحبل صبر تمسک جست این مظلوم از حق میطلبد این حزب را محفوظ دارد و حراست فرماید که مباد امری ظاهر شود که اعمال و اصطبار چهل ساله را بر باد دهد هیچ نعمتی و هیچ ماندهئی لذتش بر لذت صبر غلبه ننماید از این حزب آنچه ظاهر شود لوجه الله است و لحاظ کل بشر عنایت او متوجه اوست موفی اجور سائلین لا اله الا هو العليم الحکیم از حق بطلبید از برای حضرت سلطان و حضرت امیر الأمراء کشف فرماید تا بر نیت این مظلوم و آمالش آگاه شوند تالله اذا یجدان انفسهما ساکتان على فلک لا تحرکها الأریاح و لا تضربها الأمواج کذلک نطق المظلوم فضلاً من عنده عليك انه لهو الفضال المشفق الکریم لازال مذکور بوده و هستی خذ العروة الوثقى باسم مولی الوری و قل

الهی الهی اسألك بمطلع آياتک و مشرق بیئاتک ان تکشف لعبادک ما کشفتم لنا بقدرتک و سلطانک انک انت الذی باسمک نصبت رایة الاختیار امام وجوه الأبرار و الأشرار لا اله الا انت المقتدر على ما تشاء بأمرک المبرم الحکیم

این سند از کتابخانه مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۸ دسامبر ۲۰۲۱، ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر